

که نگاهی به پیشینه روابط ایران و اتحادیه اروپا افکنده شود.

پیشینه روابط ایران با اتحادیه اروپا

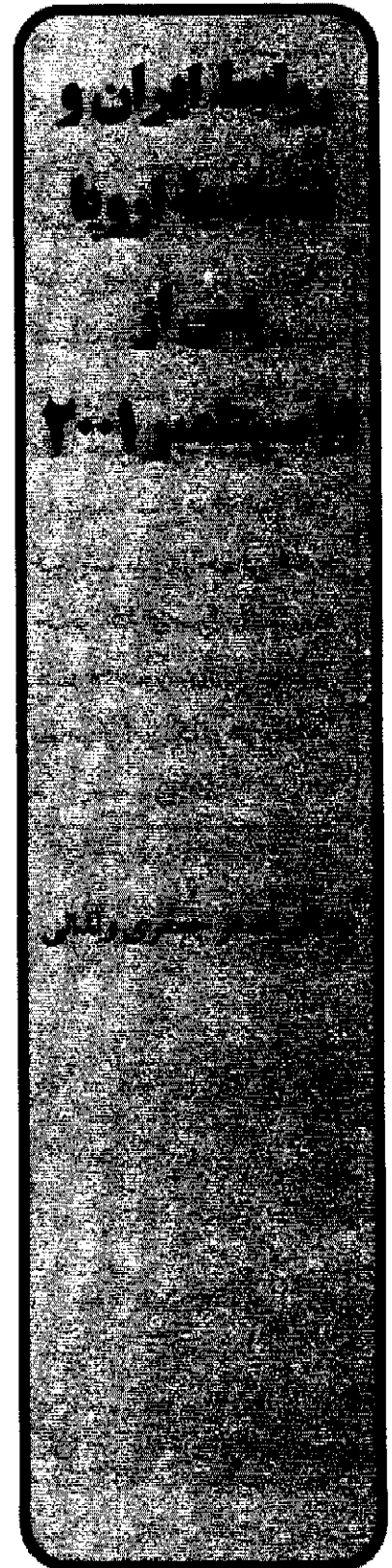
روابط ایران با اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته فراز و نشیبهای بسیار داشته است. پایان جنگ ایران و عراق و روی کار آمدن دولت جدید در ایران، نقطه عطفی در روابط ایران با اتحادیه اروپا بود. دولت جدید توجه خود را به بازسازی اقتصادی و دفاعی کشور که در جریان ۸ سال جنگ تخریب و تضعیف شده بود، معطوف کرد. این امر نیاز به همکاری با کشورهای اروپایی داشت زیرا اقتصاد ایران از دیرباز به اروپا گره خورده است. نزدیک به ۴۰ درصد از بازرگانی خارجی ایران با اتحادیه اروپا است. افزون بر آن، صنایع ایران از نظر تجهیزات، لوازم بدکی و قطعات به اروپا وابسته است. اما آنچه برای ایران اولویت داشت، نیاز صنایع فرسوده نفت و گاز ایران به سرمایه، دانش فنی و تکنولوژی بود. در این زمینه، پس از آمریکا، اروپا می‌توانست نیاز ایران را تأمین کند. از سوی دیگر، آمریکا با اعلام نظم جهانی نو در ۱۹۹۱، در صدد بود هم‌زمانی خود را به عنوان تنها قدرت نظامی جهان تثبیت کند. در این راستا آمریکا عملاً نفوذ اتحادیه اروپا را در خاورمیانه محدود کرده بود. بحران کویت در ۱۹۹۱ که به «جنگ نفت» معروف شد، سبب گردید که آمریکا نیروهای خود را در حوزه‌های نفتی خلیج فارس مستقر کند. به اعتقاد یوردیس فون لوهازن، جنگ خلیج فارس، جنگی بر ضد اروپا و نتیجه آن یک کامیابی بزرگ برای سیاست آمریکا و ناکامی و شکستی برای اروپا بود. از آنجا که ایران و عراق از دایره نفوذ آمریکا بیرون مانده بودند، اتحادیه اروپا در صدد گسترش روابط خود با این دو کشور برآمد.

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۳ سیاست «گفت‌وگوی انتقادی» با ایران را در پیش گرفت و از سیاست آمریکا یعنی «مهار دوجانبه ایران و عراق»، پیروی نکرد. اتحادیه اروپا همچنین در سال ۱۹۹۶ قانون داماتو را که سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران را ممنوع می‌کرد، نادیده گرفت و دست به

روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دستخوش تحولاتی بی‌سابقه شده است که به هیچ‌وجه با دوران پیش از آن قابل مقایسه نیست. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران از سیاست آمریکا پیروی نمی‌کرد. در حالی که آمریکا همواره سعی در تحریم اقتصادی ایران، به انزوا کشاندن و محاصره آن داشت، اتحادیه اروپا تلاش می‌کرد از نفوذ آمریکا در ایران جلوگیری کند و جای پای خود را استوارتر سازد. اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال ایران پدید آمده است، به گونه‌ای که اتحادیه اروپا در مواردی سیاستی تندتر از آمریکا در برابر ایران در پیش گرفته است. برای مثال، در حالی که آمریکا حمله نظامی به ایران را رد کرده است، جک استراو وزیر خارجه انگلستان در سخنرانی خود در مجلس عوام در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۳ اقدام نظامی در مورد ایران را در صورت عدم همکاری این کشور با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتفی ندانست.

هدف این مقاله بررسی روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. در این مقاله تلاش می‌شود به چند پرسش پاسخ داده شود. نخست اینکه آیا تغییر رفتار اتحادیه اروپا با ایران متأثر از فشارهای آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر است؟ به سخن دیگر، رویدادهای ۱۱ سپتامبر چه تأثیری بر روابط اتحادیه با آمریکا و اتحادیه با ایران داشته است. دوم اینکه تغییر روابط ایران و اتحادیه اروپا تا چه اندازه نشأت گرفته از مسایل داخلی ایران و سیاست‌های داخلی اتحادیه اروپا، مستقل از آمریکا است؟

در این مقاله همچنین به موضوعاتی مانند گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر ایران و اتحادیه اروپا، آموزه جدید آمریکا و نگرانی اروپایی‌ها، اروپای قدیم در برابر اروپای جدید، تأثیر این تحولات بر روابط اتحادیه اروپا و ایران، مسایل عمده در روابط ایران و اتحادیه اروپا مانند سلاح‌های هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم، گفتگوهای صلح خاورمیانه، نفت و بازرگانی و... پرداخته خواهد شد. ولی نخست ضروری است



سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران زد. بارسیلن سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران در دوم خرداد ۱۳۷۶ (۲۳ مه ۱۹۹۷) فصل تازه‌ای در روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا گشوده شد. سیاستهای خاتمی در زمینه تنش‌زدایی و ایجاد جامعه مدنی با استقبال کشورهای اروپایی روبرو شد. دید و بازدید مقامات ایران و اتحادیه اروپا و انعقاد قراردادهای متعدد اقتصادی بیانگر این مسأله است. برای نمونه، رئیس‌جمهوری ایران در سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۹ از ایتالیا، فرانسه، اتریش و آلمان دیدار کرد.

نگرانی اروپا از بهبود روابط ایران و آمریکا:

از سوی دیگر، با انتخاب شدن سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران، اروپا نگران بهبود روابط ایران و آمریکا شد. باز شدن باب گفت‌وگو و اظهار نظرهای بی‌سابقه برخی از مقامات ایران و آمریکا، احتمال بهبود روابط دو کشور را تقویت کرده بود. مارتین ایندیک سفیر آمریکا در اسرائیل، ۵ روز پس از انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری اعلام کرد که کشورش از گفت‌وگو با ایران استقبال می‌کند و این امر ناشی از روی کار آمدن یک رئیس‌جمهور میانه‌رو در ایران است. در واقع برخی از تحلیل‌گران مسایل ایران در آمریکا معتقد بودند که سیاست مهار دوجانبه موفق نبوده و آمریکا باید در سیاست خود در قبال ایران با توجه به شرایط پیش‌آمده در این کشور، تجدیدنظر کند. به دنبال آن اعلام شد که یک هیأت آمریکایی متشکل از ۵ استاد زن دانشگاه‌های آمریکا در ۳۰ اوت ۱۹۹۷ از تهران دیدار کرده‌اند. این نخستین هیأت رسمی آمریکایی بود که پس از انقلاب از تهران دیدار می‌کرد. در ادامه این روند آشتی‌جویانه، وزارت خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۵ اکتبر ۱۹۹۷ نام سازمان مجاهدین را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد که مورد استقبال مقامات وزارت امور خارجه ایران قرار گرفت. مصاحبه رئیس‌جمهوری ایران با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان نیز امیدواری به بهبود روابط

ایران و آمریکا را افزایش داد. مسابقه فوتبال تیم‌های ملی ایران و آمریکا در جریان بازی‌های جام جهانی در فرانسه، که به «دیپلماسی فوتبال» معروف شد، از نظر برخی نشانه‌ای از بهبود روابط ایران و آمریکا بود. این مسأله بازی تیم پیتگ‌پونگ آمریکا و چین را در سال ۱۹۷۱ که به برقراری روابط سیاسی میان دو کشور انجامید، تداعی می‌کرد. اما این اقدامات به علت مخالفت گروه‌هایی در دو کشور، کمکی به بهبود روابط دو کشور نکرد و رفته رفته لحن مقامات دو کشور کمی نامهربانانه‌تر از نخستین روزهای انتخابات شد.

اتحادیه اروپا از این موضوع خشنود بود. این اتحادیه با درک این نکته که مشکل ایران و آمریکا فاقد چشم‌اندازی روشن است و ایران در کوتاه مدت جایگزینی برای این اتحادیه ندارد، تلاش بی‌سابقه‌ای برای نزدیکی بیشتر به ایران آغاز کرد. اتحادیه اروپا گذشته از بهره‌گیری از منابع انرژی ایران، می‌توانست از موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیک آن برای برقراری نوعی موازنه نفوذ در خاورمیانه استفاده کند. سفیران کشورهای اروپایی که به علت قضیه میکونوس از تهران فراخوانده شده بودند، در دسامبر ۱۹۹۷ به ایران بازگشتند. اتحادیه اروپا همچنین در گامی دیگر در ۲۵ مارس ۱۹۹۷ با صدور بیانیه‌ای، به جای گفت‌وگوی انتقادی، بر «گفت‌وگوی سازنده و فراگیر» با ایران تأکید کرد.

گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر

نخستین دور از گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر ایران و اتحادیه اروپا در ژوئیه ۱۹۹۸ و در زمان ریاست اتریش بر اتحادیه آغاز شد. از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ ده دور از این گفت‌وگوها در تهران، وین، تهران، هلسینکی، تهران، استکهلم، تهران، مادرید، تهران و رم برگزار شد و همه موضوعات مورد علاقه طرفین در زمینه‌هایی مانند انرژی، تجارت، سرمایه‌گذاری، مواد مخدر، پناهندگان، حمل و نقل، محیط زیست، کشاورزی، حقوق بشر، تروریسم، صلح خاورمیانه و دیگر مسایل منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر می‌گرفت. برای پرداختن به این

○ از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران از سیاست آمریکا پیروی نمی‌کرد. در حالی که آمریکا همواره سعی در تحریم اقتصادی ایران، به انزوا کشاندن و محاصره آن داشت، اتحادیه اروپا تلاش می‌کرد از نفوذ آمریکا در ایران جلوگیری کند و جای پای خود را استوارتر سازد.

موضوعات، طرفین چند کمیته کاری تشکیل دادند.

به هنگام تنظیم سند نهایی این گفت‌وگوها، میان سران کشورهای اروپایی اختلاف نظر بروز کرد. در این مورد دو دیدگاه وجود داشت: گروهی از کشورها مانند آلمان، انگلستان، دانمارک، هلند و لوکزامبورگ خواستار تنظیم یک سند جامع بودند که همه موضوعات را در برگیرد و در آن همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی با ایران منوط به همکاری ایران در زمینه مسایل سیاسی، حقوقی مانند مبارزه با تروریسم و بهبود وضع حقوق بشر در این کشور شود؛ گروهی دیگر مانند یونان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا برخلاف گروه نخست فقط خواستار تنظیم یک سند تجاری و اقتصادی بودند. این کشورها معتقد بودند که با توجه به تمایل ملت ایران به برقراری دموکراسی و بهبود وضع حقوق بشر و روی کار آمدن گروهی به نام اصلاح طلبان که معتقد به گسترش آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران هستند، می‌توان با بستن این قرارداد و کمک به اقتصاد ایران، زمینه تقویت اصلاح طلبان و تداوم پشتیبانی مردم از آن‌ها و به تدریج بهبود وضع حقوق بشر و دموکراسی در ایران را فراهم کرد. به نظر این گروه، ناکام ماندن اصلاح طلبان بویژه در زمینه اقتصادی می‌تواند به منزله بازگشت تدریجی ایران به دوران پیش از انتخاب ۲۳ مه و حاکمیت دوباره گروه تندرو در ایران باشد. این گروه به مدلی مانند مدل روابط آمریکا با چین می‌اندیشیدند که با وجود مبادلات تجاری کلان میان آن دو کشور، موضوعات سیاسی میان آنها همچنان بحث‌انگیز باقی مانده است.

سرانجام کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اجلاس لوکزامبورگ در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ توافق کردند که با اتخاذ رهیافتی از تلفیق نظرات دو گروه، همکاری با ایران در دو سند همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی و سند سیاسی به صورت جداگانه تنظیم شود و شورای وزیران اتحادیه موظف شد مذاکرات خود را با ایران در ارتباط با این اسناد آغاز کند.

کریس پاتن کمیسیونر روابط خارجی اتحادیه اروپا در این خصوص اعلام کرد: «باید قدرت

حرکت اصلاحات در ایران را به رسمیت شناخت و باید آگاه بود که عناصر دیگری هستند که نگاه دوستانه به غرب ندارند. اگر با افراد منطقی گفت‌وگو نکنید، با کسانی که منطلق کمتری دارند، سروکار خواهید داشت.»

اتحادیه اروپا در حالی پذیرفت گفت‌وگو با ایران را برای امضای یک سند تجاری آغاز کند که طرفداران سند جامع از حمایت‌های آمریکا و اسراییل برخوردار بودند و زیر فشارهای این دو کشور قرار داشتند. روزنامه تایمز مالی در این باره نوشت: «تصمیم اتحادیه اروپا در حالی اتخاذ شد که اسرئیل و آمریکا سخت می‌کوشیدند مانع این کار شوند.»

پس از آن، خلویار سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به منظور فراهم آوردن دور تازه گفت‌وگوهای فراگیر به منظور تنظیم سند همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۲ به تهران آمد. وی در مذاکره با مقامات ایران بر نگرانی اروپاییان در مورد روند مذاکرات صلح خاورمیانه، تروریسم و آینده اصلاحات در ایران تأکید کرد. آشکار بود که طرفین برای دستیابی به توافقی در این سه زمینه راهی بسیار دشوار در پیش دارند و به همین علت مذاکرات در تهران چندان موفقیت آمیز نبود. وی برای مذاکره درباره مسایل یاد شده بار دیگر در ژانویه ۲۰۰۴ به ایران سفر کرد.

واقعیت این است که پس از ۱۱ سپتامبر تحوّل عمده‌ای در روابط ایران و اتحادیه اروپا روی داده است، چرا که اتحادیه اروپا ادامه یافتن گفت‌وگو با ایران را مشروط کرده است. پیش از آن، اتحادیه اروپا معتقد بود که از راه گفت‌وگوی انتقادی می‌تواند رفتار ایران را تغییر دهد؛ اما پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ادامه یافتن گفت‌وگو را مشروط به پیشرفت ایران در زمینه برخی مسایل کرده است.

به سخن دیگر، اتحادیه اروپا همکاری‌های بازرگانی با ایران را به مسایل سیاسی پیوند زده است. پیشتر، رفتار کشورهای اروپایی در برابر ایران در حوزه اقتصادی با آمریکا متفاوت بود؛ بدین گونه که تحریم‌های اقتصادی آمریکا را نادیده گرفتند و به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز

○ پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای در
سیاست خارجی اتحادیه
اروپا در قبال ایران پدید آمده
است، به گونه‌ای که اتحادیه
اروپا در مواردی سیاستی
تندتر از آمریکا در برابر ایران
در پیش گرفته است.

ایران دست زدند، ولی پس از ۱۱ سپتامبر رفتار اتحادیه دگرگون شده است. برای نمونه، ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۰۳ با صدور بیانیهای به ایران هشدار دادند که مذاکرات اتحادیه با ایران مشروط به پیشرفت این کشور در زمینه احترام به حقوق بشر، جلوگیری از گسترش سلاحهای هستهای، مبارزه با تروریسم و تغییر برخورد با روند صلح خاورمیانه است.^۱ این چرخش اتحادیه اروپا تا اندازه بسیار زیادی ناشی از آموزه جدید آمریکا پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نگرانی اروپاییان از این بابت بود.

آموزه جدید آمریکا و نگرانی اروپاییها

پس از ۱۱ سپتامبر، تفکر استراتژیک نظامی آمریکا در مقایسه با دوران جنگ سرد، دچار گونگی بنیادین شده است. این تحول شامل شیوه به کارگیری نیروها در سراسر جهان، شرایط استقرار پایگاهها در نقاط جدید، رویگردانی از همپیمانان سنتی و تأکید بر ارزش روابط دوجانبه به جای روابط چندجانبه است.^۲ در این راستا:

۱. آمریکا اروپای جدید را در برابر اروپای قدیم قرار داده و آنها را در محاسبات ژئوپولیتیکی خود وارد کرده است.

۲. پس از جنگ عراق و مخالفت آلمان و فرانسه با آن، آمریکا در صدد انتقال پایگاههای نظامی خود از این کشورها به کشورهای دیگر برآمده است.

۳. به علت به کار گرفته نشدن ناتو در جنگ عراق، آمریکا چند سوگرایی را رها کرده و روابط دوجانبه را با برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلستان و اسپانیا که در جنگ عراق در کنار آمریکا ایستادند، در پیش گرفته است.

آمریکا از نظر اقتصادی، ۲۵ تا ۳۰ درصد تولید ناخالص جهان را به خود اختصاص داده است. از نظر نظامی نیز هزینههای دفاعی آن ۲ برابر بیشتر از ۱۸ عضو ناتو است و بودجه نظامی اش به ۴۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. بنابراین آمریکا تنها ابرقدرت اقتصادی و نظامی جهان

است. اتحادیه اروپا از نظر امنیت سخت وابسته به آمریکا است زیرا قابلیت کافی برای انتقال نیرو به مناطق بحرانی جهان، نظام فراگیر اطلاعاتی، فضایی و شبکه گسترده پایگاههای نظامی ندارد؛ در حالی که آمریکا از همه این امکانات برخوردار است.^۳ اتحادیه اروپا حتی از حل و فصل بحرانهای داخلی خود مانند بحران کوزوو ناتوان است، در صورتی که آمریکا توانایی رویارویی با هر نوع تهدید امنیتی در هر گوشه از جهان را دارد.^۴

مقامهای آمریکایی شکایت می‌کنند که اروپا زیر چتر امنیتی که آمریکا بهای آن را پرداخته است به سر می‌برد. در مقابل، اروپاییها نیز از آموزه جدید آمریکا نگرانند. آموزه بازدارندگی آمریکا مبنی بر داشتن حق حمله به دشمنان پیش از حمله آنها، با حمایت یا بی‌حمایت بین‌المللی است. نگرانی اروپا از این است که آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم و کشورهای خودسر، شورای امنیت سازمان ملل و ناتو را نادیده بگیرد. یکجانبه‌گرایی آمریکا با مخالفت مقامهای بلندیایه اتحادیه اروپا روبه‌رو شده است.

تا پیش از ۱۱ سپتامبر، قواعد بازی بیشتر دوستانه و چندجانبه بود و جهان به سوی نوع تازه‌ای از همکاری صلح‌آمیز چندجانبه پیش می‌رفت. اما پس از ۱۱ سپتامبر قواعد بازی تا اندازه‌ای دشمنانه شده و واژه‌هایی مانند حملات پیشگیرانه، مبارزه با تروریسم، جنگ و اشغال، بیانگر آن است. همچنین قواعد بازی از شکل چندجانبه به شکل یک‌جانبه تغییر کرده است.^۵

اتحادیه اروپایی یک نهاد چندجانبه‌گرا و نماد رشد و شکوفایی این قاعده همکاری بین‌المللی است و لذا ترجیح آن به جای تکیه بر روش‌ها و برداشتهای منفرد، حرکت هماهنگ است. به همین دلیل آمریکا نتوانست در جریان جنگ عراق از ناتو استفاده کند. زیرا ناتو از طریق اجماع میان اعضاء عمل می‌کند و از این رو مخالفت کشورهایمانند آلمان، فرانسه و بلژیک، استفاده از ناتو را غیرممکن نمود. در مقابل آمریکا حمایت اروپا را در جنگ عراق، از طریق روابط دوجانبه بدست آورد.

○ پس از ۱۱ سپتامبر تحول عمده‌ای در روابط ایران و اتحادیه اروپا داده است، چرا که اتحادیه اروپا ادامه یافتن گفت‌وگو با ایران را مشروط کرده است. پیش از آن، اتحادیه اروپا معتقد بود که از راه گفت‌وگوی انتقادی می‌تواند رفتار ایران را تغییر دهد؛ اما پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ادامه یافتن گفت‌وگو را مشروط به پیشرفت ایران در زمینه برخی مسایل کرده است.

اروپای جدید در برابر اروپای قدیم

نیستند، اما برای آمریکا بسیار مهمتر از بلژیک یا دانمارک شده‌اند و نقش استراتژیک برجسته‌ای در برنامه‌های آمریکا به دست آورده‌اند.

همچنین به علت مخالفت روسیه با جنگ عراق، لهستان و کشورهای حوزه دریای بالتیک اهمیت استراتژیک تازه‌ای یافته‌اند و خط دفاعی جدید آمریکا را تشکیل می‌دهند. در این راستا مجارستان نیز که می‌تواند عملیات نظامی آمریکا در سراسر اروپای مرکزی را پشتیبانی کند، اهمیت استثنایی یافته است.^{۱۰}

به این ترتیب در جریان جنگ عراق، بسیاری از همبیمانان سنتی آمریکا کنار گذاشته شدند و در مقابل، برخی دیگر از کشورهای اروپایی که تا آن زمان در معادلات ژئوپولیتیکی اهمیت حیاتی نداشتند، وارد محاسبات جدید آمریکا شدند. خلاصه اینکه به گفته جیمز بوکانان اقتصاددان آمریکایی و برنده جایزه صلح نوبل اقتصاد در سال ۱۹۸۶: «آمریکا و اروپا در حال فاصله گرفتن و جدا شدن از هم هستند.»^{۱۱}

تأثیر تحولات تازه بر روابط ایران و اروپا

ایران بیش از ۲۰۰ سال از سوی روسیه و اروپا در معرض تهدید، فشار، تجاوز بوده است و یکپارچگی ارضی و استقلال آن بوسیله این قدرت‌ها نقض شده است. از دید تاریخی، اروپاییان بارها ایران را در بازیهای خود وجه المصلحه قرار داده‌اند. تاریخ ایران در دوره صفوی از این موارد بسیار به یاد دارد. در دوره‌های بعد نیز این مسأله بارها تکرار شده است: در عهدنامه تیلسیت، ناپلئون ایران را وجه المصلحه دوستی خود با روسیه کرد؛ انگلستان در جنگ‌های ایران و روسیه، با روسیه کنار آمد و ایران را در برابر روسیه، برخلاف تعهدات کتبی و قراردادی خود، تنها گذاشت؛ آلمان در قرارداد پتسدام ۱۹۱۱ با روسیه کنار آمد و ایران را قربانی کرد. همچنین در توافقهای رین تروپ و مولوتوف در ۱۹۳۹، آلمان بار دیگر منافع ایران را با هدف نزدیک شدن به شوروی زیر پا گذاشت. آیا اکنون هم تاریخ تکرار می‌شود و اروپا بار دیگر ایران را وجه المصلحه نزدیکی خود با آمریکا خواهد کرد؟

اتحادیه اروپا در مسأله قرار دادن نام ایران در

به دنبال جنگ عراق و مخالفت برخی کشورهای اروپایی با آن، دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا، اروپا را به دو بخش «اروپای قدیم» و «اروپای جدید» تقسیم کرد. این رویکرد که پیش‌زمینه‌ای تاریخی هم دارد، بیگانگر خاستگاه نظریه پردازان نو محافظه کار آمریکایی است.^۶

آمریکا از جنگ جهانی دوم به بعد، از ایده یکپارچگی اروپا پشتیبانی کرده است. حتی در ۱۹۴۸ کمیته ویژه‌ای به رهبری آلن دالس رئیس سیا برای کمک به ایجاد این اتحادیه در دولت آمریکا تشکیل شد. پس از جنگ سرد نیز پشتیبانی آمریکا از یکپارچگی اروپا همچنان تداوم یافت و کلیتون حتی از بول و احد اروپا، یورو، که رقیب سرسخت دلار شده بود، حمایت کرد. در سال ۲۰۰۲ جرج بوش در یک سخنرانی در برلین اظهار داشت «هر قدر اروپا به سمت اتحاد و یکپارچگی پیش برود، به همان اندازه آمریکا و اروپا به سمت امنیت فراگیر پیش خواهند رفت.»^۷

اما چنین می‌نماید که پس از جنگ عراق، نظر آمریکا تغییر کرده است. حملات تبلیغاتی به فرانسه و آلمان و روسیه که با سیاست آمریکا در قبال عراق مخالفت کرده بودند، به اندازه‌ای بالا گرفت که برخی تحلیل‌گران آمریکایی ۳ کشور مذکور را «محور شرارت دوم» نام نهادند.^۸ برخی از سناتورهای آمریکایی نیز سخن از تحریم اقتصادی آلمان و فرانسه به میان آوردند، که تاکنون امری بی سابقه بوده است. همچنین جرج بوش خطاب به آلمان، فرانسه و روسیه در خصوص مطالباتشان از عراق گفت: «بروند مطالبات خود را از صدام حسین بگیرند.»^۹ آمریکا نه تنها در بازسازی عراق سهمی برای این کشورها در نظر نگرفته، بلکه خواستار آن است که آن‌ها از مطالبات خود از عراق چشم‌پوشی نمایند.

از سوی دیگر، در پی جنگ عراق و مخالفت آلمان با آن، سخن از انتقال پایگاه‌های نظامی آمریکا از آلمان به کشورهای اروپای جدید از جمله لهستان، مجارستان، رومانی و بلغارستان به میان آمده است. بلغارستان و رومانی هر چند عضو ناتو

○ اتحادیه اروپا
همکاری‌های بازرگانی با
ایران را به مسایل سیاسی
پیوند زده است. پیشتر،
رفتار کشورهای اروپایی در
برابر ایران در حوزه اقتصادی
با آمریکا متفاوت بود.

اروپا با آمریکا در قبال ایران در مورد مسائلی مانند سلاح‌های هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم و روند مذاکرات صلح خاورمیانه بویژه «نقشه راه» هماهنگ شده است.

اتحادیه اروپا و سلاح‌های هسته‌ای

اتحادیه اروپا موضوعی مشابه موضع آمریکا در قبال برنامه‌های هسته‌ای ایران گرفته است. جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس گفته است: «این تنها دولت آمریکا نیست، بلکه همه دنیا و از جمله ۸ کشور صنعتی که روسیه نیز جزو آن‌ها است و اتحادیه اروپا خواستار امضای پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران هستند».^{۱۲}

همچنین، سران ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا پس از اجلاس مشترک اتحادیه اروپا و آمریکا که در ژوئن ۲۰۰۳ در کاخ سفید برگزار شد، با انتشار بیانیه‌ای به ایران و کره شمالی هشدار دادند که تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را متوقف کنند.^{۱۵}

ایران در سال ۱۹۹۳ به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیوسته، اما امضای پروتکل الحاقی را مشروط به لغو تحریم‌های ۲۵ ساله ایران و ارائه ضمانت‌های لازم در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای صلح آمیز خود کرده بود. همچنین ایران می‌گفت که اگر به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دهد خسارج از چارچوب مقوله نامه عمل کنند، در این صورت پایانی برای آن متصور نیست و ممکن است جریان عراق در مورد ایران تکرار شود. در صورت امضای پروتکل الحاقی، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توانند هر زمان که بخواهند مراکز هسته‌ای ایران یا هر محل مسکونی را در ایران مورد بازرسی قرار دهند.

در مقابل، اتحادیه اروپا شرایط ایران را نوعی تعامل تجاری محسوب و اعلام کرد که ایران نمی‌تواند امضای پروتکل الحاقی را مشروط به این خواسته‌ها کند و چنین درخواست‌هایی از سوی ایران نامعقول است.^{۱۶} در این راستا وزیر خارجه اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای در ژوئن ۲۰۰۳ از ایران خواستند که بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی به

محور شرارت، آمریکارا همراهی نکرد. گرچه میزان همراهی نکردن اروپا با آمریکا مشخص نیست، ولی آنچه برای اروپا و دیگر کشورهای بزرگ مطرح است، مخالفت با یکه‌تازی آمریکا است که پدیده تازه‌ای نیست و یکی از موضوعات مورد اختلاف در چند دهه گذشته بوده است. اما شدت گرفتن یکه‌تازی آمریکا در دوره بوش پس از ۱۱ سپتامبر، برای اروپا تبدیل به نقطه‌ای هویت‌بخش برای یک مقاومت دیپلماتیک شده و ایران یکی از کانون‌های این تقابل است. این به آن معنی نیست که اروپایی‌ها نگرانی‌های آمریکا در مورد ایران را درک نمی‌کنند و ضد آمریکا هستند، بلکه مسأله آن‌ها مخالفت با یکه‌تازی آمریکا است.^{۱۱}

ایران نمی‌تواند اختلاف و تفاوت دیدگاهها میان بازیگران اروپایی و آمریکارا بیش از اندازه در محاسبات خود وارد کند. تردیدی نیست که تفاوت‌هایی میان دیدگاه‌های اروپاییان و دیدگاه‌ها و رفتارهای آمریکاییان وجود دارد، اما این بدان معنی نیست که اروپاییان حاضرند در ائتلاف و اتحادی ضد آمریکایی شرکت جویند زیرا اختلاف آن‌ها، در بسیاری از موارد ساختاری نیست و بیشتر بر سر چگونگی اعمال روش‌ها است. همچنین، برای آن‌ها حفظ رابطه با آمریکا مهم‌ترین مسأله سیاست خارجی است و به نظر می‌رسد حاضر نباشند بر سر موضوعی مانند ایران، فداکاری کنند.^{۱۳} به سخن دیگر، نباید انتظار داشت که اروپا به خاطر ایران با آمریکا درگیر جنگ شود.

فرانسه، روسیه و آلمان که با آمریکا در بحران عراق مخالفت کردند، در صدد بهبود روابط خود با آمریکا هستند تا از تشبیهات مالی و اقتصادی این کشور مصون مانند و در این راستا ایران را به آسانی وجه‌المصالحه برای جلب دوستی آمریکا خواهند کرد. روسیه که تا پیش از جنگ عراق از برنامه‌های هسته‌ای ایران پشتیبانی می‌کرد، بی‌درنگ پس از سقوط صدام حسین، از «برنامه‌های اتمی ایران» ابراز نگرانی نمود. دو بانک سرمایه‌گذار فرانسوی و آلمانی نیز که قرار بود پروژه‌های ایران را تأمین مالی کنند، اعلام انصراف نموده و اعتبارات خود را پس گرفته‌اند.

بطور کلی پس از ۱۱ سپتامبر، سیاست اتحادیه

○ پس از ۱۱ سپتامبر، تفکر استراتژیک-نظامی آمریکا در مقایسه با دوران جنگ سرد، دچار دگرگونی بنیادین شده است. این تحول شامل شیوه به کارگیری نیروها در سراسر جهان، شرایط استقرار پایگاه‌ها در نقاط جدید، رویگردانی از همپیمانان سنتی و تأکید بر ارزش روابط دو جانبه به جای روابط چند جانبه است.

اتحادیه اروپا همکاری نکنند، اعلام کردند. البته شرط کاربرد زور در مورد کشورهای متخلف از سوی اتحادیه اروپا، صدور مجوز لازم از سوی سازمان ملل متحد است و همین وجه تمایز آمریکا و اتحادیه اروپا است.

در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۳ جک استراو وزیر خارجه بریتانیا، یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان و دومینیک دو ویلین وزیر خارجه فرانسه برای مذاکره درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران، به تهران آمدند. به دنبال آن، با صدور بیانیه‌ای اعلام شد که ایران پروتکل الحاقی موسوم به ۹۳+۲ را امضا خواهد کرد. سپس ایران پروتکل یادشده را امضا کرد و یکی از سخت‌ترین چالش‌ها در روابط ایران و اتحادیه اروپا پایان یافت.

اتحادیه اروپا و حقوق بشر

یکی دیگر از مسایل مهم در روابط ایران و اتحادیه اروپا، مسأله حقوق بشر است. رعایت حقوق بشر، یکی از مسایل مورد توجه چپ و راست در اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا خواهان آزادی بیان، حق دفاع برای متهمان، از میان رفتن مجازات‌های خشن، حذف خشونت، تبعیضات گوناگون و اصلاح سیستم زندان‌ها است. افکار عمومی اروپا نسبت به این مسائل حساسیت دارد و از سازمان‌های اتحادیه اروپا مانند پارلمان اروپا می‌خواهد که سیاست تنیدی در مورد این مسایل در قبال ایران در پیش گیرد.

گفت‌وگو درباره حقوق بشر در ایران از نشست سران پارلمان اروپا در فوریه ۲۰۰۱ در شهر نیس در جنوب فرانسه آغاز شد. پارلمان اروپا قطعنامه‌های متعددی درباره نقض حقوق بشر در ایران تصویب کرده است. گرچه قطعنامه‌های این پارلمان لازم‌الاجرا نیست، اما بیانگر دیدگاه‌های نمایندگان ۱۵ کشور عضو پارلمان اروپا است و در نهایت بر افکار عمومی جهان اثر می‌گذارد.

پارلمان اروپا مسایل است که در زمینه تبادل اطلاعات و تجربیات حقوقی، تدوین قوانین شفاف در جهت نظام‌مند کردن مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر و پول‌شویی با ایران همکاری کند. تاکنون چند بار هیأت‌هایی از پارلمان اروپا و مجلس ایران با یکدیگر دیدار و درباره مسایل مربوط به حقوق بشر

پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کند. یک بند از بیانیه مذکور که خواستار حق دسترسی ایران به تکنولوژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز بود، با فشار انگلیس از متن بیانیه حذف شد.^{۱۷}

لندن همچنین به اتحادیه اروپا فشار آورد که یک التیماتوم ۲ ماهه به ایران بدهند تا تقاضاهای غرب را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای خود به اجرا در آورد. از سوی دیگر، جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس در سفر خود به تهران در ژوئن ۲۰۰۳ آشکارا از ایران خواست که پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را امضا کند. وی امضای موافقتنامه تجاری اتحادیه اروپا با ایران و نیز ادامه گفت‌وگوهای ساختاری با ایران را موکول به امضای پروتکل الحاقی دانست.

در حاشیه دیدار نمایندگان مجلس ایران با نمایندگان اتحادیه اروپا، اروپاییان نسبت به خودداری ایران در پیوستن به پروتکل الحاقی سخت‌ابراز نگرانی کردند و گفتند که اگر ایران کوتاه نیاید، احتمال حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران وجود دارد.^{۱۸} این احتمال را نیز مطرح کردند که این مسأله در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد.

اروپاییان در حدود پنج دهه پیمایی سایه تهدید هسته‌ای دو ابر قدرت را بر فراز سرزمین خود حس کرده‌اند و طبیعی است که احساسات ضد هسته‌ای در این کشورها بسیار جدی باشد. در دهه‌های اخیر نیز به علت گسترش دانش و فن آوری در جوامع گوناگون و امکان دستیابی آسان‌تر دانشمندان در هر جای جهان به منابع علم و تکنولوژی، امکان دسترسی قدرت‌های کوچک منطقه‌ای به تسلیحات هسته‌ای نسبت به گذشته بسیار بیشتر شده است؛ و این خطری برای کشورهای اروپایی به‌شمار می‌رود.

اتحادیه اروپا همچنین اعلام کرد که ایران باید به این اتحادیه تعهد بدهد که از جنگ‌افزارهای شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای استفاده نکند. وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه در نخستین دور گفت‌وگوها در این باره، آمادگی خود را برای کاربرد زور بر ضد کشورهای که در زمینه جلوگیری از گسترش سلاح‌های غیرمتعارف با

○ به علت به کار گرفته نشدن ناتو در جنگ عراق، آمریکا چند سوگرایی راها کرده و روابط دو جانبه را با برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلستان و اسپانیا که در جنگ عراق در کنار آمریکا ایستادند، در پیش گرفته است.

گفت‌وگو کرده‌اند.

گذشته از آن، کشورهای اروپایی نیز هر يك جداگانه با انتشار گزارشهایی از نقض حقوق بشر در ایران انتقاد کرده‌اند. برای نمونه، در گزارش وزارت امور خارجه انگلیس در اکتبر ۲۰۰۲ از توقیف نشریات در ایران، زندانی شدن شماری از روزنامه‌نگاران، صدور حکم زندان برای تعدادی از نمایندگان مجلس، بازداشت برخی از فعالان ملی-مذهبی، صدور احکام سنگین برای شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، تداوم بازداشت تعدادی از دانشجویانی که پس از حادثه ۱۸ تیر دستگیر شده‌اند و شلاق زدن در ملا عام انتقاد شده بود.^{۱۹}

کشورهای اروپایی از دلسرد شدن مردم از روند اصلاحات در ایران سخن می‌گویند و انتخابات شوراها و حوادث ژوئن ۲۰۰۳ را به عنوان نمونه‌هایی از این دلسردی ذکر می‌کنند.^{۲۰} پس از آنکه مقامات آمریکایی و از جمله جرج بوش از برخی ناآرامی‌ها پشتیبانی کردند، تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس نیز با آنان هم‌نویی کرد. وی در پارلمان آن کشور ضمن سخنانی از فعالیت دانشجویان معترض پشتیبانی کرد و از ایرانیان خواست که برای به‌دست آوردن حداقل حقوق خود و همچنین آزادی‌های مدنی بکوشند.^{۲۱} سخنان بلر گویای چرخش مهمی در سیاست بریتانیا نسبت به ایران بود و نشان می‌داد که مواضع بریتانیا و اصولاً اتحادیه اروپا در قبال ایران در حال نزدیک شدن به موضع آمریکاست.

تروریسم و گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه

از موضوعات مورد بحث در «گفت‌وگوهای انتقادی» و نیز «گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر» ایران و اتحادیه اروپا، تروریسم و روند مذاکرات صلح خاورمیانه بوده است. مسأله تروریسم برای اروپا بسیار اهمیت دارد زیرا از اوایل دهه ۱۹۸۰ با آن درگیر بوده است. در سال ۱۹۸۶ بر اثر يك بمب‌گذاری در پاریس ۹ نفر کشته و ۱۵۰ نفر زخمی شدند. فرانسه، ایران را متهم به دخالت در این مسأله کرد و به دنبال آن سفارت ایران در فرانسه توسط پلیس محاصره شد. متقابلاً سفارت فرانسه در تهران نیز به محاصره درآمد. این امر که

به «جنگ سفار تخانه‌ها» شهرت یافت، سبب قطع روابط سیاسی ایران و فرانسه در ژوئن ۱۹۸۷ شد. در سال ۱۹۹۱ پس از وارد شدن اتهام دیگری به ایران دولت فرانسه برنامه سفر فرانسوا میتران رئیس‌جمهوری آن کشور به تهران را لغو کرد. در آلمان نیز در سال ۱۹۹۲ ماجرای میکونوس پیش آمد. پس از آن، مجله تائم در گزارشی مفصل با نسبت دادن همه عملیات تروریستی در سطح جهان به ایران، از جامعه جهانی خواست که در برابر تهدیدات ایران متحد شوند و گرنه در آینده بهای گزافی خواهند پرداخت!

مسأله تروریسم ناپیش از رویدادهای ۱۱ سپتامبر در مذاکرات اتحادیه اروپا با ایران، همواره تحت الشعاع مسایل اقتصادی قرار می‌گرفت و چنان که گفته شد، طرفین نتوانستند در خصوص تنظیم سندی جامع که همه موضوعات مورد بحث را در برگیرد، به توافق برسند. اما پس از ۱۱ سپتامبر و افزایش فشار آمریکایی بر اتحادیه اروپا، موضع این اتحادیه به آمریکا نزدیک‌تر شد.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، جک استراو وزیر امور خارجه انگلستان در ۲۳ سپتامبر و بار دیگر در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۱ به تهران آمد. هدف وی تشویق تهران به مبارزه با تروریسم بویژه با طالبان و القاعده بود، که ادعا می‌شد ایران از آن‌ها حمایت می‌کند. به هر حال ایران ضمن محکوم کردن رویدادهای تروریستی ۱۱ سپتامبر و همدردی با ملت آمریکا، آمادگی خود را برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد.

در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱ هیأتی از سوی اتحادیه اروپا متشکل از وزیر خارجه فرانسه، خاوریر سولانا مسئول عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا، کریس یاتن عضو کمیسیون سیاست خارجی اتحادیه اروپا به سرپرستی لویی میشل وزیر خارجه بلژیک به تهران سفر کرد و بهبود و گسترش روابط با ایران را مشروط به مشارکت ایران در طرح ائتلاف برای مبارزه با تروریسم دانست.

جرج بوش رئیس‌جمهوری آمریکا در نطق ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ خود در کنگره اعلام کرد که برای تثبیت امنیت جهانی، باید کشورهای یاغی که

○ به دنبال جنگ عراق و

مخالفت برخی کشورهای

اروپایی با آن، دونالد

رامسفلد وزیر دفاع آمریکا،

اروپا را به دو بخش «اروپای

قدیم» و «اروپای جدید»

تقسیم کرد. این رویکرد که

پیش‌زمینه‌ای تاریخی هم

دارد، بی‌انگیز خاستگاه

نظریه پردازان نو محافظه کار

آمریکایی است.

را در مبارزه با تروریسم نمی‌پذیرد و بر آن است که این امر باید با نظارت سازمان ملل صورت گیرد.

به هر حال پشتیبانی ایران از گروه‌های فلسطینی، یکی از موارد اختلاف ایران و اتحادیه اروپا است. جک استراو وزیر خارجه انگلیس در این مورد گفته است: «ما از پشتیبانی ایران از برخی گروه‌های مخالف صلح خاورمیانه ناخشنودیم. مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه، یکی از مسایلی بوده که همواره اتحادیه اروپا با ایران مطرح کرده و ناخشنودی خود را از آن بیان داشته است.»

اروپا و نفت ایران

با توجه به روند افزایش مصرف نفت در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و اندک بودن ذخایر نفتی در اروپا، این اتحادیه همچنان متکی به واردات نفت خواهد بود و بخش عمده نفت وارداتی از حوزه خلیج فارس تأمین می‌شود. با آزاد سازی کویت در ۱۹۹۱ و اعلام نظم جهانی نو، آمریکا توانست کنترل مناطق نفت‌خیز جنوب خلیج فارس را به دست گیرد. در مقابل، اروپاییان نیز برای تضمین دسترسی بلندمدت خود به نفت، شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران و عراق کردند. از سوی دیگر، ایران هم که نیاز به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز خود داشت و با تحریم آمریکا روبرو بود، ناگزیر بود به اروپا روی آورد.

در چنین شرایطی که بازار کاملاً غیر رقابتی بود، قراردادهای نفتی ایران با شرکت‌های اروپایی به صورت بیع متقابل بسته شد. در زیر به کوتاهی به این قراردادها اشاره می‌شود:

۱. قرارداد میدانهای نفتی سیری E و A با شرکت فرانسوی توتال در ۱۹۹۵: سرمایه‌طرح ۶۱۰ میلیون دلار، پاداش پیمانکار ۳۳۶ میلیون دلار، بهره‌بانکی ۱۴۲ میلیون دلار و جمع بازپرداخت ۱/۲ میلیارد دلار.

۲. قرارداد فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی با کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های توتال فرانسه، گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی در ۱۹۹۷: سرمایه‌طرح ۲ میلیارد دلار، بهره

مسئول این امنیت هستند و به‌عنوان پایگاه تروریست‌ها عمل می‌کنند، نابود شوند و این رسالتی تاریخی و اخلاقی برای ما است و آمریکا منتظر اقدامات تروریستی نخواهد نشست و دست‌پیش را خواهد گرفت. بیشتر مقامات اتحادیه اروپا از این سخنان بوش استقبال کردند و فشارهای اتحادیه به ایران شدت گرفت به گونه‌ای که خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که در ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۲ به تهران سفر کرده بود، محور اصلی گفتگوهای خود در تهران را مسئله تروریسم و صلح خاورمیانه قرار داد. و بدین‌سان روشن شد که اتحادیه اروپا در مسایل مذکور با آمریکا هم‌صدا شده است.

اتحادیه اروپا پیش از رویدادهای ۱۱ سپتامبر توجه زیادی به مذاکرات صلح خاورمیانه نشان نمی‌داد و این امر دو علت داشت: نخست این که بیشتر کشورهای اروپایی از نظر تاریخی و جهت چندان خوبی در اسرائیل ندارند و این، از روابط تاریخی مستحکم آن‌ها با اعراب سرچشمه می‌گیرد. دوم این که اروپاییان سالهاست به علت انحصارطلبی آمریکا در روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، در حاشیه قرار گرفته‌اند.

اما پس از ۱۱ سپتامبر اتحادیه اروپا در زمینه گفتگوهای صلح خاورمیانه به آمریکا پیوست و برای نخستین بار یک اجماع جهانی برای حل این مسأله پدید آمد. نشانه آن، «نقشه راه» است که نه فقط از سوی آمریکا، بلکه از سوی اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل پذیرفته شده است. اتحادیه اروپا ایران را متهم می‌کند که با پشتیبانی از گروه‌های مبارز فلسطینی، در روند مذاکرات صلح اخلال می‌کند. در مقابل، ایران معتقد است که نباید به گونه سطحی به تروریسم پرداخت بلکه باید با علل آن برخورد کرد. از دید ایران، غرب در این زمینه معیارهای دوگانه دارد و صادقانه عمل نمی‌کند: از یک سو بسیاری از تروریست‌ها را پناه داده و از سوی دیگر چشمان خود را به روی اقدامات تروریستی اسرائیل می‌بندد. از نظر ایران گروه‌های فلسطینی که با اسرائیل می‌جنگند، نباید تروریست شمرده شوند. ایران همچنین می‌گوید که رهبری آمریکا

○ ایران نمی‌تواند اختلاف و تفاوت دیدگاه‌ها میان بازیگران اروپایی و آمریکارا پیش از اندازه در محاسبات خود وارد کند. تردیدی نیست که تفاوت‌هایی میان دیدگاه‌های اروپاییان و دیدگاه‌ها و رفتارهای آمریکاییان وجود دارد، اما این بدان معنی نیست که اروپاییان حاضرند در ائتلاف و اتحادی ضد آمریکایی شرکت جویند زیرا اختلاف آن‌ها، در بسیاری از موارد ساختاری نیست و بیشتر بر سر چگونگی اعمال روش‌ها است. همچنین، برای آن‌ها حفظ رابطه با آمریکا مهم‌ترین مسأله سیاست خارجه‌ای است و به نظر می‌رسد حاضر نباشند بر سر موضوعی مانند ایران، فداکاری کنند.

- بانکی آن ۸۰۷ میلیون دلار، دستمزد مقطوع پیمانکار ۱/۴ میلیارد دلار و جمع بازپرداخت ۴/۲ میلیارد دلار.
۳. قرارداد فازهای ۴ و ۵ میدان گازی پارس جنوبی با کنسرسیومی مرکب از شرکت ایتالیایی اجیب (از زیر مجموعه‌های شرکت انی) و شرکت پتروپارس در سال ۲۰۰۰: سرمایه طرح حدود ۲ میلیارد دلار، حق الزحمه پیمانکار ۱ میلیارد دلار، بهره بانکی آن ۸۵۲ میلیون دلار و جمع بازپرداخت ۳/۸ میلیارد دلار.
۴. قرارداد میدان نفتی درود با کنسرسیومی متشکل از الف اکتین فرانسه و اجیب ایتالیا در مارس ۱۹۹۹: سرمایه آن ۵۴۰ میلیون دلار، بهره بانکی ۱۶۰ میلیون دلار، دستمزد مقطوع پیمانکار ۲۹۸ میلیون دلار و کل مبلغ بازپرداخت ۱ میلیارد دلار.
۵. قرارداد میدان نفتی بلال با کنسرسیومی از الف و بولی (کانادا) در سال ۱۹۹۹: سرمایه طرح ۱۶۹ میلیون دلار، پاداش پیمانکار ۷۸ میلیون دلار، بهره بانکی ۴۰ میلیون دلار و مجموع بازپرداخت ۳۱۶ میلیون دلار.
۶. قرارداد میدان نفتی سروش و نوروز با شرکت شل در ۱۹۹۹: سرمایه طرح ۷۹۹ میلیون دلار، بهره بانکی ۲۰۵ میلیون دلار، پاداش مقطوع پیمانکار ۴۵۰ میلیون دلار و مبلغ بازپرداخت ۱/۶ میلیارد دلار.
۷. قرارداد میدان نفتی دارخوین با آجیب ایتالیا در سال ۲۰۰۱: سرمایه طرح ۵۴۸ میلیون دلار، پاداش پیمانکار ۲۲۰ میلیون دلار و بهره بانکی ۱۵۲ میلیون دلار و جمع بازپرداخت ۹۲۰ میلیون دلار.
۸. مذاکراتی در مورد میدان نفتی چشمه خوش با شرکت سپسا (اسپانیایی) صورت گرفته است. سرمایه طرح ۲۷۰ میلیون دلار و مبلغ بازپرداخت ۵۷۰ میلیون دلار است.
۹. قرار است قرارداد حوزه نفتی «اهواز بنگستان» با شرکت انگلیسی بی.بی.بی بسته شود. سرمایه طرح ۹۵۰ میلیون دلار و مبلغ بازپرداخت ۱/۷ میلیارد دلار است.^{۲۲}
۱۰. شرکت شل آمادگی خود را برای اجرای طرح میدان «آب تیمور» اعلام کرده است.
- سرمایه طرح ۵۰۰ میلیون دلار و مبلغ بازپرداخت ۹۵۰ میلیون دلار است.^{۲۳}
۱۱. شرکت بی.بی (انگلستان) در طرح صادرات گاز ایران از میدان گازی پارس جنوبی و تحویل آن به بازارهای هند و دیگر بازارها، در حال همکاری با شرکت ملی نفت ایران است.
۱۲. فرانسه در منطقه پارس جنوبی در ساخت و ساز پالایشگاه نفت و گاز یا احداث خطوط لوله مشارکت دارد.
- در باره این قراردادها بحث‌های زیادی صورت گرفته و گروهی موافق و گروهی دیگر مخالف بوده‌اند. موافقان این گونه قراردادها بر این باورند که ایران به علت کمبود منابع ارزی، کمبود منابع داخلی، دسترسی نداشتن به تکنولوژی پیشرفته، فرسودگی تجهیزات و وسایل بهره‌برداری و تحریم‌های اقتصادی آمریکا، گزینه دیگری نداشته است و ناگزیر چنین قراردادهایی بسته است. مدیر امور بین‌المللی وزارت نفت گفته است: «شرایط ارزی کشور به گونه‌ای بود که حتی برای حفظ سهمیه لویک هم توان گسترش ظرفیت پالایش و استخراج را نداشتیم. بنابراین برای عقب‌نماندن از سایر تولیدکنندگان نفت می‌باید به روش‌هایی غیر از پرداخت نقدی برای احداث پروژه‌ها بیندیشیم»^{۲۴}
- برخی دیگر هم معتقدند که بالا بودن نرخ بهره به علت ریسک سرمایه‌گذاری و احتمال عدم موفقیت پروژه است. استدلال دیگر برای انعقاد این گونه قراردادها این بوده که بسیاری از این حوزه‌ها مشترک است و اگر ایران از آنها بهره‌برداری نکند، طرف غیر ایرانی از آن برداشت خواهد کرد. همچنین گفته شده است که این قراردادها منافع زیادی برای کشور در بردارد زیرا تولید نفت و گاز ایران را افزایش خواهد داد.^{۲۵}
- منتقدان می‌گویند در این قراردادها سرمایه‌گذاران که بیشتر شرکت‌های اروپایی هستند، پس از ۵ سال، دو برابر اصل سرمایه خود را دریافت می‌کنند و نرخ بهره در این قراردادها بین ۱۵ تا ۲۰ درصد است، در حالی که نرخ بهره در جهان ۴ تا ۵ درصد بیشتر نیست.^{۲۶} به نوشته فردهالیدی، کمیانی‌های نفتی در ایران همواره

○ بطور کلی پس از ۱۱ سپتامبر، سیاست اتحادیه اروپا با آمریکا در قبال ایران در مورد مسائلی مانند سلاح‌های هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم و روند مذاکرات صلح خاور میانه بویژه «نقشه راه» هماهنگ شده است.

پایین ترین حد خود رسیده است. به نظر می‌رسد این سخن برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا راست باشد که: «اروپا باید در اقتصاد و تجارت با آمریکا رقابت کند نه در سیاست.»

در اینجا فقط به دو نمونه از قراردادهایی که ایران با فرانسه بسته است اشاره می‌شود. در سفر رئیس‌جمهوری ایران به فرانسه در اکتبر ۱۹۹۹ قراردادی به ارزش ۷۹۰ میلیون دلار برای خرید ۱۰۰ دستگاه لوکوموتیو، چهار فروند هواپیمای ایرباس و سایت‌های رادار مخصوص مراکز کنترل ترافیک پرواز به امضا رسید.^{۲۰}

در مه ۲۰۰۳ فرانسوا لوزس وزیر تجارت خارجی فرانسه همراه صدها نفر از صاحبان و اعضای هیأت مدیره کارخانه‌های بزرگ صنعتی، بازرگانان، سرمایه‌گذاران، نمایندگان مجالس و اعضای هیئت مدیره ۲۷ شرکت به تهران آمد. گفتگوهای این هیأت عالی‌رتبه درباره سرمایه‌گذاری در ۱۰۰ طرح بزرگ با حجمی بالغ بر ۱۰ میلیارد یورو بود.^{۲۱} فرانسه می‌خواهد منافعی را که با سقوط صدام حسین در عراق از دست داده است در ایران جبران کند.

همچنین فرانسه در نظر دارد در ساخت هتل، تأسیسات بندری یا طرح‌های سیاحتی و تفریحی در مناطق آزاد ایران در جنوب کشور فعالیت کند. از جمله این اقدامات مشارکت در سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد یورویی در مجموعه سیاحتی موسوم به «گل شرق» در ناحیه‌ای واقع در شمال شرق منطقه آزاد کیش با کنسرسیومی از سرمایه‌گذاران آلمانی است. این پروژه وسیع از سوی شرکت بیمه هر مس تضمین شده است.

برای تضمین سرمایه‌گذاری‌های مذکور در ایران، موافقتنامه‌های «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری‌های خارجی» بین ایران با فرانسه، ایتالیا و آلمان به امضا رسیده است. هدف این موافقتنامه‌ها، امنیت بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های مذکور در ایران است. در این موافقتنامه‌ها جبران غرامت عادلانه و حساب شده به تناسب مبلغ سرمایه‌گذاری‌ها در صورت خلع ید یا ملکی شدن پیش‌بینی شده است. این موافقتنامه‌ها شامل سرمایه‌گذاری‌های از قبل انجام شده در ایران نیز می‌شود.

می‌کوشند سرمایه‌ اولیه را هر چه زودتر از طریق منافع بازیس بگیرند. این کمپانی‌ها بر اساس «تا تنور داغ است. بجسبان» در ایران کار می‌کنند. در نظر آنها سرمایه‌گذاری در ایران فقط موقعی ارزش دارد که بتوانند سرمایه خود را در عرض ۴ یا ۵ سال به دست آورند.^{۲۲}

انعقاد این قراردادها با پایین‌ترین قیمت، گذشته از آن که به اقتصاد ملکی آسیب‌های جدی می‌رساند، معادلات جهانی را به هم ریخته و فرصت را برای قیمت‌های بالای نفت از میان می‌برد. شرکت شل با بریتیش پترولیوم برای توسعه میدان نفتی اهواز کمترین قیمت‌ها را ارائه داده و برای حفاری ۱۷۰ حلقه چاه ۵۰۰ میلیون دلار پیشنهاد کرده است؛ در صورتی که این شرکت برای ۱۵۰۰ حلقه چاه ۲۰۰ میلیون دلار هزینه کرده است.^{۲۳} به این ترتیب ایران هزینه‌های رقابت اروپا و آمریکا را می‌پردازد و شرکت‌های نفتی اروپایی به آنچه نمی‌اندیشند، منافع ملکی ایران است.

اکنون پرسش این است که پس از ۱۱ سپتامبر که فشار آمریکا بر اروپا افزایش یافته، چه تأثیری بر قراردادهای نفتی خواهد داشت. پس از ۱۱ سپتامبر قرارداد جدیدی بسته نشده است، هر چند مذاکراتی صورت گرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد که فشار آمریکا به اروپا، تأثیری بر قراردادهای نفتی منعقد شده نداشته باشد زیرا مدت بسیاری از آنها رو به پایان است. اما بی‌گمان آمریکا مانع انعقاد قراردادهای جدید با ایران خواهد شد.^{۲۴}

تجارت و همکاری‌های اقتصادی

ایران و اروپا

اروپا در صدد بوده است که با نهادینه کردن روابط اقتصادی خود با ایران، راه نفوذ آمریکا به بازار ایران را ببندد. از این نظر، دشمنی آمریکا و ایران به سود اروپا بوده است. آمریکا نه تنها از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران محروم شده و تقریباً همه قراردادهای شرکت‌های اروپایی بسته شده است، بلکه در حالی که حجم تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا همواره در بالاترین سطح بوده، حجم تجارت میان ایران و آمریکا به

○ با آزادسازی کویت در ۱۹۹۱ و اعلام نظم جهانی نو، آمریکا توانست کنترل مناطق نفت خیز جنوب خلیج فارس را به دست گیرد. در مقابل، اروپاییان نیز برای تضمین دسترسی بلندمدت خود به نفت، شروع به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت ایران و عراق کردند.

هرچند نماینده کمیسیون اروپا در نخستین دور از مذاکرات آشکارا اعلام داشت که اتحادیه اروپا هیچ پیش شرطی برای انعقاد موافقتنامه تجاری و همکاری با ایران در نظر نگرفته، اما به نظر می‌رسد که بعداً نظر خود را زیر فشار آمریکا تغییر داده است. جک استراو در سفر خود به تهران در ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد که: «پیشرفت در توافق برای تجارت و همکاری میان ایران و اتحادیه اروپایی بستگی به سیاست‌های هسته‌ای ایران، حقوق بشر و تسلیحات کشتار جمعی دارد.»^{۳۲}

اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری ایران است. میزان مبادلات تجاری ایران با این اتحادیه در جدولهای شماره ۱ و ۲ آمده است. بر اساس این جدولها در سال ۲۰۰۲ به ترتیب آلمان ۳۴۸۰ میلیون دلار، ایتالیا ۱۱۸۷ میلیون دلار، فرانسه ۱۲۰۹ میلیون دلار و انگلستان ۶۹۰ میلیون دلار صادرات به ایران داشته‌اند.^{۳۳}

یادداشت‌ها و زیرنویس‌ها:

۱. یاس نو، ۲۹ خرداد ۱۳۸۲.
2. George Friedman, "Beyond Prince Sultan: The New Military Reality", *The Stratford Weekly*, April 30, 2003.
۳. عزت‌الله عزتی، «چشم انداز ژئوپولیتیک اروپا در قرن بیست و یکم»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، ویژه اروپا، شماره ۲ (پاییز ۱۳۷۸) ص ۱۳۴.
4. John D. Becker, Major us Army, "Combined and Coalition War Fighting", *Military Review*, 73 (Nov. 1993) p. 25.
۵. محمد کاظم سجادیپور «ایران و یازده سپتامبر: چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، ویژه ۱۱ سپتامبر، سال پانزدهم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۸۰).
۶. مرکز تحقیقات استراتژیک، «آمریکا و چالش اروپای قدیم»، گاهنامه، شماره ۸۱ (خرداد ۱۳۸۲) ص ۱.
۷. مجله اقتصاد ایران، سال پنجم، شماره ۵۲ (خرداد ۱۳۸۲) ص ۶۵.
۸. گاهنامه مرکز تحقیقات استراتژیک، پیشین.
۹. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفدهم، شماره

یکی از موضوعات مورد مذاکره ایران با اتحادیه اروپا انعقاد يك موافقتنامه تجاری و همکاری است. تاکنون طرفین در این خصوص چهار نشست داشته‌اند. نخستین دور گفت‌وگوها در جریان سفر وزیر امور خارجه ایران به بروکسل در دسامبر ۲۰۰۲ انجام شد و نماینده کمیسیون اروپا تمایل اتحادیه را به همکاری با ایران در ۱۷ زمینه تجاری و غیرتجاری اعلام کرد. ایران نیز آمادگی خود را به همکاری در ۲۴ زمینه شامل توسعه اقتصادی، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری، همکاری‌های تحقیقاتی، فنی و ظرفیت‌سازی و نیز بازرگانی اعلام داشت. در پایان این دور از مذاکرات مقرر شد که گفت‌وگوها هر ۲ ماه یکبار به تناوب در تهران و بروکسل صورت پذیرد.

دور دوم گفت‌وگوها که در فوریه ۲۰۰۳ در تهران انجام شد، درباره ساختار کلی موافقتنامه، اولویت‌های موضوعی مشترک و دستور کار مذاکرات بود. دور سوم مذاکرات در آوریل ۲۰۰۳ در بروکسل و دور چهارم در ژوئن ۲۰۰۳ در تهران انجام گرفت. گفت‌وگوهای ایران و اروپا به دو قسمت تقسیم می‌شود، یکی گفت‌وگوهای سیاسی که موضوعاتی چون مهاجران، پناهجویان، تروریسم، مبارزه با مواد مخدر، خلع سلاح، حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها را دربرمی‌گیرد. مسئولیت این گفت‌وگوها را رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا برعهده دارد؛ دیگری گفت‌وگوهای تجاری است که از طرف کمیسیون اروپایی انجام می‌شود.

با اینکه اتحادیه اروپا بزرگترین بازار صادرات غیر نفتی ایران است، اما همه کالاهای صادراتی ایران مشمول تعرفه‌های ترجیحی این اتحادیه نیست و فقط به برخی از کالاها ۲ درصد تخفیف گمرکی در برابر ارائه گواهی مبدأ تعلق می‌گیرد؛ درحالی‌که رقبای ایران مانند ترکیه به آسانی کالاهای خود را بی‌تعرفه یا با تعرفه‌های ناچیز به اروپا صادر می‌کنند. در صورت امضای موافقتنامه تجارت آزاد، کالاهای صادراتی ایران ۵ تا ۲۵ درصد ارزان‌تر وارد بازار اروپا خواهد شد. البته مذاکرات فعلی ایران و اتحادیه اروپا درخصوص موافقتنامه تجارت آزاد نیست.

○ اروپا در صدد بوده است که با نهادینه کردن روابط اقتصادی خود با ایران، راه نفوذ آمریکا به بازار ایران را ببندد. از این نظر، دشمنی آمریکا و ایران به سود اروپا بوده است.

واحد: میلیون دلار

کشور سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۲۰۰۹	۲۰۰۴
اسپانیا	۳۴۱/۳	۳۴۲/۹	۳۱۶/۶	۲۶۲/۶
بلژیک	۵۹۷/۵	۴۲۶/۲	۴۳۱/۸	۳۹۰/۴
فرانسه	۶۸۵/۴	۶۱۷/۴	۹۲۹/۳	۱۲۰۹/۵
انگلیس	۴۳۹/۱	۵۰۹/۵	۶۶۱/۶	۶۹۰/۶
ایرلند	۷/۸	۲۲/۸	۲۴/۳	۲۷/۷
ایتالیا	۹۰۱/۴	۸۵۶/۰	۹۷۹/۷	۱۱۸۶/۹
آلمان	۱۳۸۲/۲	۱۵۰۴/۲	۱۶۹۵/۸	۳۴۸۰/۱
هلند	۲۱۲/۸	۲۷۰/۰	۳۲۸/۷	۳۰۰/۵
لوکزامبورگ	۷/۷	۳۱/۴	۵۰/۶	۱۴/۰
دانمارک	۶۵/۲	۶۹/۰	۷۰/۷	۹۱/۴
اتریش	۳۰۴/۸	۳۷۷/۰	۲۵۷/۷	۲۲۰/۶
پرتغال	۶/۴	۸/۸	۱۴/۱	۱۰/۸
یونان	۸/۶	۱۰/۴	۱۵/۱	۱۲/۰
سوئد	۱۱۹/۵	۳۰۹/۸	۳۹۰/۰	۳۲۴/۷
فنلاند	۶۹/۳	۷۴/۶	۶۱/۶	۸۴/۸

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۱

○ با اینکه اتحادیه اروپا بزرگترین بازار صادرات غیر نفتی ایران است، اما همه کالاهای صادراتی ایران مشمول تعرفه‌های ترجیحی این اتحادیه نیست و فقط به برخی از کالاها ۲ درصد تخفیف گمرکی در برابر ارائه گواهی مبدأ تعلق می‌گیرد؛ در حالی که رقبای ایران مانند ترکیه به آسانی کالاهای خود را بی‌تعرفه یا با تعرفه‌های ناچیز به اروپا صادر می‌کنند.

واحد: میلیون دلار

کشور سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۲۰۰۹	۲۰۰۴
اسپانیا	۵۶/۲	۵۲/۷	۷۱/۷	۹۵/۴
بلژیک	۱۶/۲	۴۴/۵	۲۹/۸	۲۱/۳
فرانسه	۴۶/۰	۴۴/۷	۵۸/۴	۳۴/۲
انگلیس	۳۱/۹	۳۷/۱	۳۴/۴	۲۵/۲
ایرلند	۰/۱	۰/۶	۰/۲	۰/۶
ایتالیا	۱۸۰/۱	۱۹۱/۴	۱۹۸/۶	۱۴۹/۴
آلمان	۴۲۴/۰	۳۵۴/۳	۳۱۲/۳	۲۶۷/۸
هلند	۵۹/۶	۳۴/۵	۱۳/۵	۱۳/۰
لوکزامبورگ	۶۳/۰	۷/۵	۴/۹	۶/۰
دانمارک	۱۰/۲	۹/۷	۸/۸	۹/۴
اتریش	۱۲/۲	۱۱/۸	۹/۶	۸/۲
پرتغال	۴/۰	۷/۳	۴/۲	۵/۳
یونان	۲۳/۱	۳۵/۰	۱۲/۹	۱۶/۰
سوئد	۱۲/۰	۱۰/۸	۷/۴	۱۰/۶
فنلاند	۰/۴	۰/۲	۶۱/۶	۰/۴

منبع: همان

۱۱. «مناسبات آمریکا و اروپا و ساختار اقتصاد جهانی».

گزارش تحلیلی مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۳۵

(فروردین ۱۳۸۲) ص ۸.

۱۲. محمد کاظم سجادیور، سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱) ص ۹۶.

۱۳. همان، ص ۱۰۸.

۱۴. یاس نو، ۲۸ خرداد ۱۳۸۲.

۱۵. انتخاب، ۷ تیر ماه ۱۳۸۲.

۱۶. روزنامه عکاظ چاپ عربستان، به نقل از

مردم سالاری، ۹ تیر ماه ۱۳۸۲.

۱۷. یاس نو، ۲۸ خرداد ۱۳۸۲.

۱۸. ایران، ۳ تیر ماه ۱۳۸۲.

۱۹. مردم سالاری، ۹ مهر ۱۳۸۱.

۲۰. ایران، ۳ تیر ماه ۱۳۸۲.

۲۱. ایران، ۴ تیر ماه ۱۳۸۲.

۲۲. ملکه انگلیس به ۲ نفر از دیپلمات‌های آن کشور در

تهران به علت خدمت به منافع انگلیس در ایران نشان

سلطنتی داد (مردم سالاری ۸۱/۱۰/۱۱).

۲۳. آثارهای مذکور از کتاب زیر برگرفته شده است:

ابوالفضل حسن بیگی، نفت، پای‌یک و منافع ملی (تهران:

انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱) صص ۶۹-۱۰۶.

۲۴. حجت‌ا... غنیمی فرد، «بای‌یک تنهاگزینہ موجود»

روزنامه همشهری، ۱۳ تیر ماه ۱۳۸۰.

۲۵. مهدی میر ممزی، «درآمدهای حاصل از قراردادهای

نفت و گاز»، روزنامه همشهری، ۹ مرداد ۱۳۸۰.

۲۶. علی رشیدی، «تحریم سرمایه‌گذاری‌های خارجی ما

را به بیع متقابل سوق می‌دهد»، جام جم، ۲۸ خرداد

۱۳۸۰.

۲۷. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در

ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین (تهران: انتشارات

امیر کبیر، ۱۳۵۸) ص ۱۶۶.

۲۸. کیهان، ۱۸ خرداد ۱۳۷۹.

۲۹. ژاپن زیر فشار آمریکا از امضای قرارداد ۲ میلیارد

دلاری در مورد حوزه نفتی آزادگان با ایران خودداری کرده

است. این قرارداد طی ۲ سال مورد مذاکره قرار گرفته بود و

قرار بود در تیر ماه ۱۳۸۲ امضا شود.

۳۰. فرانسه زیر فشار آمریکا از فروش ۶ فروند هواپیمای

ایرباس به ایران خودداری کرده است.

۳۱. اعتماد، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۲.

۳۲. یاس نو، ۱۰ تیر ماه ۱۳۸۲.

۳۳. گمرک ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی

جمهوری اسلامی ایران، سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۹.

○ هر چند نماینده

کمیسیون اروپا در نخستین

دوران مذاکرات آشکارا

اعلام داشت که اتحادیه اروپا

هیچ پیش شرطی برای انعقاد

موافقتنامه تجاری و

همکاری با ایران در نظر

نگرفته، اما به نظر می‌رسد

که بعداً نظر خود را زیر فشار

آمریکا تغییر داده است.

جک استراود در سفر خود به

تهران در ژوئن ۲۰۰۳ اعلام

کرد که: «پیشرفت در توافق

برای تجارت و همکاری

میان ایران و اتحادیه اروپایی

بستگی به سیاست‌های

هسته‌ای ایران، حقوق بشر

و تسلیحات کشتار جمعی

دارد.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی